اخبار کوتاه

■ **توقف پخش «برف بی‌صدا می‌بارد»**

شبکه۳ سیما در حالی از آغاز پخش سریال «حکم رشد» خبر داده که پخش سریال «برف بی‌صدا می‌بارد» را پس از دو ماه وقفه، متوقف کرده است. به گزارش ایسنا این سریال بلند که قرار بود پخش آن پس از ماه‌رمضان از سر گرفته شود گویا به دلایل مشکلات تولید، سرنوشت پخش و تولید ادامه آن با چالش مواجه شده است.

■ **آماده‌سازی مصلی برای میزبانی نمایشگاه کتاب**

مدیر کمیته اجرایی و پشتیبانی نمایشگاه کتاب تهران گفت: تا ۱۷ اردیبهشت تمام تجهیزات لازم نمایشگاه در محل مصلای امام خمینی(ره) تکمیل شده و ناشران از این تاریخ می‌توانند نسبت به انتقال کتاب‌ها به غرفه و چیدمان اقدام کنند. حسین صفری افزود: نمایشگاه کتاب تهران از ۲۱ تا ۳۱ اردیبهشت ماه در مصلای امام‌خمینی(ره) برگزار می‌شود.

■ **قربانی یک سوءتفاهم!**

محمدرضا شفاه، تهیه‌کننده سریال «کتونی زرنگی» معتقد است این سریال مسائل اجتماعی و خانوادگی مختلفی را مطرح می‌کند و می‌تواند هر زمانی پخش شود. او درباره آخرین وضعیت این سریال به مهر گفت: تا به امروز هیچ کس نمی‌داند چرا این سریال پخش نمی‌شود و درباره آن سوءتفاهم به وجود آمده که امیدواریم رفع شود.

■ **روایتگر نقش نوجوانان در انقلاب**

انتشارات سوره مهر کتاب «زمستان بی‌شازده» اثر فاطمه نفری را منتشر کرد. از ویژگی‌های این رمان نوجوان که چندین بار تجدید چاپ شده می‌توان به پرداختن به رویدادهای تاریخی انقلاب ایران و تلفیق آن با ادبیات نوجوان اشاره کرد. داستان این کتاب که به زبانی ساده و روان نوشته شده، روایتگر نقش نوجوانان در انقلاب است.

یاد
نجف دریابندری

زهره کهندل | شیرین‌سخنی و قصه‌گویی در وجود جنوبی‌ها، یک ویژگی مشترک است. آبادانی‌ها، بوشهری‌ها، اهوازی‌ها و اهالی جنوب ایران یک جور لطافت کلامی دارند که از آن‌ها نویسندگانی بالفطره می‌سازد. نجف دریابندری از مترجمان خوش‌ذوق کشورمان هم زاده آبادان بود و در ترجمه آثارش چنان متن روان و مسلطی به زبان فارسی داشت که او را به یکی از محبوب‌ترین مترجمان معاصر بدل کرده بود. مترجمی که آثار نویسندگان شناخته شده جهان را با زبانی شیوا و رسا به فارسی برگرداند و پنجره‌ای رو به ادبیات جهان پیش روی مخاطب ایرانی گشود. او در انتخاب آثار هم بسیار خوش‌ذوق بود و سراغ نویسندگانی می‌رفت که خالق آثاری ماندگار در ادبیات جهان بودند؛ نویسندگانی چون ارنست همینگوی، جبران خلیل جبران، مارک تواین و ویلیام فاکنر. او نویسنده کتاب جامعی به نام «مستطاب آشپزی» هم بود که اطلاعات جالبی درباره مکتب‌های آشپزی ایرانی، چینی، رومی، هندی، ترکی، عربی، اسپانیایی، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی و روسی دارد.

درباره نجف دریابندری و ترجمه‌های ماندگارش همزمان با سالگرد درگذشت او

وداع با پیرمرد و دریا

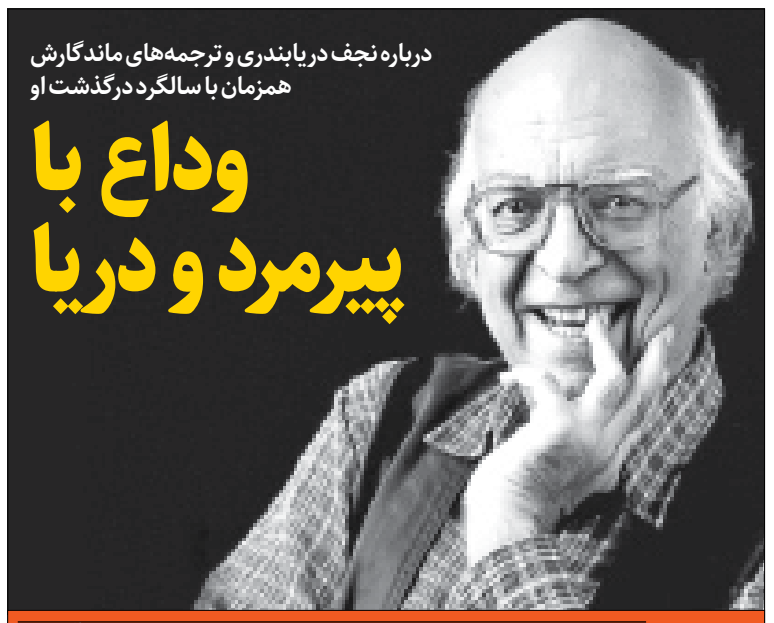

گزیده

دریابندری پس از رها کردن تحصیل، وارد بازار کار شد. انگلیسی‌ها در آن زمان در تأسیسات نفتی شهر آبادان بودند و در شهر تردد بسیاری داشتند، این امر موجب شد دریابندری به یادگیری زبان انگلیسی علاقه‌مند شود و این گونه شد که به صورتی کاملاً خودآموز به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت.

■ **قصه نگارش یک کتاب**

نجف دریابندری پس از تجربه ۹۰ بهار از عمرش، ۱۵اردیبهشت سال۹۹ پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری، چشم بر جهان فروبست. البته که سال‌های تنهایی‌اش پس از فوت همسرش فهمیه راستکار (پاییز سال ۹۱) سال‌های سختی برای او بود و این رنج فراق بر شدت کسالتش می‌افزود. آنچه از او و همسرش باقی ماند، کتاب جامع دوجلدی «مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز» است که قصه‌نگارش آن شنیدنی است. نجف دریابندری در دوران زندانی شدنش به دلیل فعالیت‌های سیاسی (سال ۱۳۳۳) با آشپزی آشنا شد و پس از آزادی با توجه به ذائقه ماجراجویانه‌اش، پخت غذاهای ملل مختلف را تجربه می‌کرد به طوری که بعدها آشپزی به یکی از سرگرمی‌های او و همسرش تبدیل شد. داستان ایده نگارش کتاب هم به سال‌ها پیش از نگارش آن برمی‌گردد؛ به شبی که محمد زهرایی (مدیر نشر کارنامه) شبی در غیاب فهیمه راستکار میهمان دریابندری بود و هنگام صرف شام که خوراکی مکزیکی با دستپخت دریابندری بود، ایده اولیه نگارش کتاب را به او داد. البته فهیمه راستکار در آغاز با این کار مخالفت کرد اما در نهایت به مدت هشت‌سال در کنار دریابندری به نگارش کتاب مشغول شد و نتیجه‌اش شد آنچه باید می‌شد؛ کتابی جامع با لحنی شیرین و کلامی دلربا درباره آشپزی.

■ **مترجمی خودآموخته**

نجف دریابندری، آدم دانشگاه رفته‌ای نبود، او دوره ابتدایی و دبیرستان را در آبادان گذراند و براساس آنچه صفدر تقی‌زاده (مترجم و نویسنده) نقل می‌کند، دریابندری دبیرستان را هم تمام نکرد. او در جایی گفته بود: «ما در دبیرستان رازی آبادان درس می‌خواندیم. یادم هست زمانی که نجف در درس زبان انگلیسی تجدید شد رفت تا خودش را برای امتحان مردودی آماده کند. چند وقتی خواند اما به یک باره گفت دیگر فایده ندارد؛ بنابراین دیگر برای امتحان نرفت و درس را کنار گذاشت». دریابندری پس از رها کردن تحصیل، وارد بازار کار شد. انگلیسی‌ها در آن زمان در تأسیسات نفتی شهر آبادان بودند و در شهر تردد بسیاری داشتند، این امر موجب شد دریابندری به یادگیری زبان انگلیسی علاقه‌مند شود و این گونه شد که به صورتی کاملاً خودآموز به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت. او در سال ۱۳۳۲ نخستین اثر خود که ترجمه کتاب معروف «وداع با اسلحه» نوشته ارنست همینگوی بود را برای چاپ به تهران فرستاد. همزمان با چاپ این کتاب در سال ۱۳۳۳ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در آبادان به زندان افتاد و پس از یک سال به زندان تهران منتقل شد. او در زندان به مسائل فلسفی علاقه‌مند شد و در مدت حبس، کتاب «تاریخ فلسفه غرب» اثر برتراند راسل را ترجمه کرد که بعدها توسط انتشارات سخن به چاپ رسید. دریابندری در سال ۱۳۳۷ از زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی را بوسید و کنار گذاشت. بعدها به عنوان سردبیر در انتشارات فرانکلین به کار مشغول شد و در آنجا به ترجمه آثار ادبی رمان‌نویسان و نمایش‌نامه‌نویسان معروف آمریکا پرداخت. ترجمه کتاب «پیرمرد و دریا» اثر ارنست همینگوی و «هاکلبری فین» نوشته مارک تواین مربوط به همین دوره است.

■ **یک گل سرخ برای نجف**

دریابندری ۱۷سال با مؤسسه فرانکلین همکاری کرد و سال ۱۳۵۴ همکاری خود را با این مؤسسه قطع کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به طور جدی به ترجمه و تألیف پرداخت. از جمله آثار او می‌توان به ترجمه کتاب‌های «یک گل سرخ برای امیلی» و «گور به گور» نوشته ویلیام فاکنر، «رگتایم» و «بیلی باتگیت» اثر دکتروف، «معنی هنر» از هربرت ریدو «پیامبر و دیوانه» نوشته جبران خلیل جبران اشاره کرد. او بعدها به رادیو و تلویزیون رفت و در آنجا به ترجمه متون فیلم‌های خارجی پرداخت و پس از آن مشغول به ترجمه آثار فلسفی و ادبی شد. نام نجف دریابندری توسط کمیته ملی ثبت میراث ناملموس به عنوان گنجینه زنده بشری در میراث خوراک در فهرست حاملان میراث ناملموس به ثبت رسیده است. او که آثار ماندگاری از خود به جا گذاشته است، دو سال پیش از دنیا رفت و در غربت روزهای کرونایی در قطعه نام‌آوران بهشت سکینه کرج به خاک سپرده شد.

گفت‌وگوی کوتاه

کارگردان فیلم شادروان:

می‌خواستم مخاطب با حال خوب از سینما برود

زهره کهندل | حسین نمازی، کارگردان فیلم شادروان که فیلمش جزو سه اثر پرفروش اکران نوروزی امسال بود، تأکید دارد دلیل اینکه سعی کرده لحنی شیرین و طنازانه در فیلم داشته باشد این بوده که می‌خواسته مخاطب با حال خوب از سالن سینما بیرون برود.

او با اشاره به کمبود فیلم‌های حال خوب‌کن در سینما به خبرنگار ما می‌گوید: با خودم فکر کردم که چرا مردم باید فیلم تلخ از من ببینند؟ متأسفانه اصل سرگرمی در سینما فراموش شده است. اگر قرار است حرفی جدی بزنم چرا به تلخ‌ترین شکل ممکن بزنم؟! به نظرم دوران سخت کرونایی که مردم پشت سر گذاشتند بی‌انصافی است که من هم با فیلمم، آن را برای مردم سخت‌تر کنم.

وی ادامه می‌دهد: فعلاً نگاه من در فیلم‌سازی و سریال‌سازی همین است حتی اگر به گذشته برگردم، فیلم «آپاندیس» را شیرین‌تر می‌سازم اگرچه مخاطب در نیمه اول همان فیلم هم می‌خندد. نمازی با بیان اینکه سال‌هاست نگاهش در فیلم‌سازی همین بوده مگر اینکه در آینده تغییر کند، یادآور می‌شود: به نظرم سهم دولت و سیاست‌های وزارت ارشاد در اینکه فیلم‌های سینمایی با چه نگاه و مضمونی ساخته شوند زیاد است. به گفته او، ۴۰ دوره از برگزاری جشنواره فیلم فجر می‌گذرد و این جشنواره به محملی برای نمایش فیلم‌های تلخ و سیاه تبدیل شده است؛ به طوری که برخی از این فیلم‌ها اگر به جشنواره نمی‌آمدند، مجوز اکران هم نمی‌گرفتند.

سانسور «نادر طالب‌زاده» در اینستاگرام
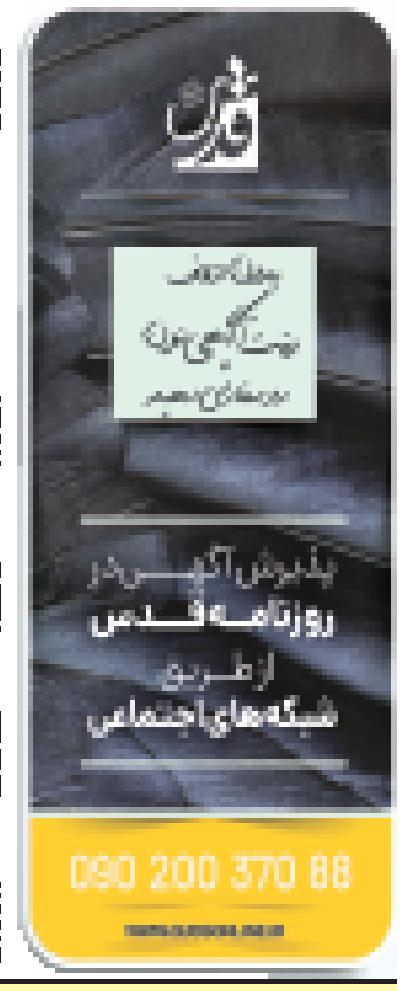
اینستاگرام در اقدامی تازه، اقدام به حذف پست‌های کاربران فضای مجازی با هشتگ «نادر طالب‌زاده» کرد که این اقدام خلاف آزادی بیان با اعتراض و واکنش کاربران همراه شده است. به گزارش فارس، پس از درگذشت نادر طالب‌زاده، حامیان و دوستداران او در اینستاگرام درباره ویژگی‌های اخلاقی و مجاهدت‌های فرهنگی و انقلابی او نوشتند اما اینستاگرام در اقدامی غرض‌ورزانه برخی از پست‌های کاربران با هشتگ نادر طالب‌زاده را حذف کرد.